

رابطه سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در بین شهروندان شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی¹

رحمت‌اله ترکان²

تاریخ دریافت: 90/9/28 تاریخ پذیرش: 91/5/23

چکیده

نوع مواجهه انسان‌ها با قانون و عدم پذیرش آن از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی است که همواره گریبان‌گیر نوع بشر بوده و هست. چنانچه میزان قانون‌گریزی در جامعه‌ای از حد خود فراتر رود، این امر می‌تواند نظام اجتماعی را تهدید کرده و به آن آسیب جدی برساند.

این پدیده به‌عنوان یک آسیب اجتماعی، متأثر از عوامل بی‌شماری است؛ در این میان سرمایه اجتماعی به سبب ایجاد پتانسیل و ظرفیت‌های وجودی مثبتی که در فرد ایجاد می‌کند، می‌تواند از این امر جلوگیری نماید. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه متغیر سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی است. اطلاعات این پژوهش با روش پیمایش، از نمونه‌ای با حجم 362 نفر از سرپرستان خانوار (افراد متأهل) شهر یزد در سال 1390 و نیز با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شد که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوایی و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده است و سپس اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی با قانون‌گریزی رابطه منفی دارد؛ هم‌چنین ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، حمایت اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد به مجریان قانون) با قانون‌گریزی رابطه منفی معنی‌داری را نشان می‌دهد. اما بعد احساس امنیت اجتماعی و آگاهی به قوانین با قانون‌گریزی رابطه معنی‌داری نداشته است. رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام نشان داد که سه متغیر اعتماد بین شخصی، اعتماد به مجریان قانون و مشارکت مدنی به ترتیب در مجموع 12/4 درصد از واریانس متغیر وابسته (قانون‌گریزی) را تبیین می‌کنند. بنابراین تلاش دست‌اندرکاران و مسئولان جامعه در جهت ارتقاء اعتماد، افزایش مشارکت اجتماعی و مدنی می‌تواند زمینه‌های کاهش این آسیب اجتماعی را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: قانون‌گریزی، سرمایه اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد به مجریان قانون، مشارکت مدنی، یزد.

1. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه یزد، E-mail: A_zare@yazduni.ac.ir

2. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، E-mail: Rahmatollahtorkan@yahoo.com

مقدمه

تمرکز بر مقوله سرمایه اجتماعی مبتنی بر نقشی است که سرمایه اجتماعی در تولید و افزایش سرمایه‌های انسانی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی ایفا می‌کند. سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی برای موفقیت در برنامه‌های رفاه اجتماعی و سلامت اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد و به همین دلیل نیز امروزه در بررسی و تدوین شاخص‌های اجتماعی و توسعه توسط سازمان‌های معتبر جهانی، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است (شریفیان ثانی، 5:1381).

از دیدگاه پیر بوردیو¹، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه می‌باشد (فیلد، 15:2005). جیمز کلمن² هم مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرده و برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریفی کارکردی از آن ارائه کرده است. بر این اساس سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منابعی در اختیار اعضای دیگر قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. کلمن معتقد است که مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید (کلمن، 479:1377).

رابرت پوتنام³ سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد (فیلد، 5:2005).

فوکویاما⁴ سرمایه اجتماعی را وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. (فوکویاما، 12:1379 به نقل از چلبی و مبارکی، 5:1384). با توجه به تعاریف متعددی که تاکنون از سرمایه اجتماعی ارائه گردیده، در بین همه تعاریف می‌توان این

1. Pierre Bourdieu
2. James Coleman
3. Robert Putnam
4. Fukoyama

نکته را استنباط کرد که ویژگی‌هایی در ساختار اجتماعی وجود دارد که کنش‌های متقابل موجود میان افراد را سامان می‌بخشد و آن‌ها را به سمت و سویی هدایت می‌کند که منافع جمعی به شکل سهل‌الوصول‌تری تأمین گردد.

بنابراین در اینجا ما سرمایه اجتماعی را نزدیک به آنچه پوتنام تعریف می‌کند مورد توجه قرار داده و اجزاء سازنده آن را «شبکه‌ها» که بعد ساختی¹ سرمایه اجتماعی است و جنبه عینی دارد و نیز «اعتماد» و «هنجارها» که بُعد شناختی² سرمایه اجتماعی بوده و جنبه ذهنی دارد تعریف می‌کنیم.

پس از توصیف مفهوم سرمایه اجتماعی، به بررسی و تعریف قانون‌گریزی³ به‌عنوان متغیر دیگر پژوهش حاضر می‌پردازیم. قانون‌گریزی، رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه نتیجه می‌شود؛ و قانون‌گریز، کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه با اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گه‌گاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را دربرمی‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت⁴ و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم⁵ می‌گویند. آنچه مسلم است اینکه همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم می‌شوند، زیرا این نوع قانون‌گریزی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد راحت‌تر در جامعه انجام می‌پذیرد به‌طوری که در جامعه به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته شده از دیدگاه عموم مردم درآمده است (علی بابایی و فیروزجاییان، 1388:13).

مفهوم سرمایه اجتماعی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد، از این پتانسیل برخوردار است تا در تحلیل‌های نظری در حوزه‌های مختلف به کار گرفته شود، یکی از آن‌ها حوزه آسیب‌های اجتماعی (از جمله قانون‌گریزی) است. از این منظر سرمایه اجتماعی به‌عنوان

-
1. Structural
 2. Cognitive
 3. Law-evasion
 4. Hard law-evasion
 5. Soft law- evasion

ابزاری اساسی قابلیت و کارایی بالایی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات، از جمله آسیب‌های اجتماعی دارد. چنانکه می‌توان از آن به‌عنوان راه حل مشکلات اجتماعی نام برد. بنابراین، در صورتی که عناصر این مفهوم به خوبی مورد بررسی قرار گیرد و در یک قالب منسجم مدون گردد، قادر است تا به خوبی در شناخت و تحلیل آسیب‌ها مؤثر واقع شده و راهکارهای مناسبی را در بحث پیشگیری در اختیارمان قرار دهد (چلبی و مبارکی، 1384:4).

مسئله اصلی که این پژوهش را به سمت ارائه و اجرای مطالعه بالا سوق داده است، کاهش قانون‌گرایی به‌عنوان یکی از جلوه‌های سرمایه اجتماعی، در سطح جامعه، نهادها و کنش‌های بین فردی و گروهی (شامل احترام مردم به مردم، مردم به حکومت، حکومت به مردم و حکومت به حکومت) است. متأسفانه رفتار قانون‌مدارانه در جامعه ایران همواره ضعیف بوده و در سال‌های اخیر نیز بیشتر تضعیف شده است. این پدیده به‌عنوان یک آسیب اجتماعی، متأثر از عوامل بی‌شماری است. در این میان سرمایه اجتماعی به سبب ایجاد پتانسیل و ظرفیت‌های وجودی مثبتی که در فرد ایجاد می‌کند، می‌تواند از این پدیده (قانون‌گریزی) جلوگیری کند. این امر به دلیل تأثیرات متقابلی است که سرمایه اجتماعی با مسائل گوناگون جامعه، به‌خصوص، حوزه آسیب‌های اجتماعی دارد. بنابراین در پژوهش حاضر ضمن بررسی میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف آن رابطه بین سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی را به مثابه یک آسیب اجتماعی و فرهنگی در بین شهروندان شهر یزد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تحقیقات پیشین

در سال‌های اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با مشکلات اجتماعی در حوزه‌های مختلف، کانون توجه در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی بوده است. البته لازم به ذکر است که با وجود کند و کاوهای به عمل آمده، پژوهش‌های بسیار اندکی در سطح ملی به ارتباط دو مفهوم سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی پرداخته‌اند و حتی پژوهشی تحت این عنوان در منابع خارجی مشاهده نگردید. در ادامه سعی می‌شود به بیان نتایج برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی بر مسائل اجتماعی که به نوعی متناسب با موضوع پژوهش حاضر است، پرداخته شود.

کاوچی و همکاران¹ (1999) در بررسی‌های خود نتیجه گرفتند که، اعتمادی که در شبکه‌های رسمی و غیررسمی وجود دارند به مردم کمک می‌کنند تا تلاش‌های پیشگیری در برابر مسائل اجتماعی را ارتقا دهند.

لدرمن و همکاران² (1999) در بررسی خود نشان دادند که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک می‌تواند سطح خشونت در جامعه را کاهش دهد یا پایین نگه دارد و در نتیجه از وقوع جرم، خشونت و بزه‌کاری پیشگیری کند. این تحقیق در 39 کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه انجام شده است (شریفیان ثانی، 1381:7).

ریچارد و ویلز³ (2004) نیز در تحقیقی تحت عنوان «تأثیر کار غیرقانونی و موانع قانون‌گرایی» به این نتیجه رسیدند که میزان قانون‌گرایی افراد جامعه تابع سطح ارتباطات اجتماعی با دیگران است. به عبارتی هر چه سطح ارتباطات اجتماعی فرد (به‌عنوان مؤلفه‌ای از سطح شهروندی) با دیگران بیشتر باشد، آثار مثبت‌تری بر رعایت قانون از جانب فرد دارد.

صداقت (1384) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌گرایی در بین شهروندان شهر تبریز» نشان داد که قانون‌گرایی به متغیرهای سطح شهروندی، مشارکت اجتماعی، نگرش دینی و نگرش به قانون بستگی دارد. به صورتی که هر چه سطح مشارکت اجتماعی شهروندان همراه با عدم فقر فرهنگی و اجتماعی باشد، به همان مقدار نیز قانون‌گرایی آنان بالاتر است.

چلبی و مبارکی (1384) در تحقیقی با عنوان «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان» به این نتیجه دست یافتند که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، در سطح خرد هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی فرد افزایش یابد از میزان جرایم غیرمختوم به زندان او کاسته شده و جرایم کمتری از او سر می‌زند. همچنین نتایج در سطح کلان حاکی از آن است که هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی یک جامعه بیشتر باشد، میزان جرم در آن جامعه کاهش خواهد یافت. همچنین نتایج نشان داد که معرف اعتماد اجتماعی در سطح

1. kawachi, I., et al
2. Lederman, D.
3. Richard, Wills A.

کلان در مقایسه با معرف‌های دیگر سرمایه اجتماعی نسبت به تبیین جرم‌جوابع، تعیین‌کننده‌تر بود و دارای اهمیت خاصی است. به‌طوری که هر جامعه‌ای که دارای اعتماد بالایی باشد، افراد آن جامعه کمتر مرتکب جرایم مختلف خواهند شد و بالعکس.

ناصری (1388) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و انواع قانون‌گریزی در بین شهروندان شهر بوکان» به این نتیجه دست یافت که، بین سرمایه اجتماعی و انواع قانون‌گریزی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه بر میزان سرمایه اجتماعی شهروندان افزوده شود، از میزان قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی (ناهم‌نواپی) و اخلاقی شهروندان کاسته خواهد شد.

مبانی نظری

پس از توصیف مفاهیم سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی، به بررسی برخی از نظریه‌های تبیین‌کننده رابطه این دو مفهوم می‌پردازیم. اگر بخواهیم یک تقسیم‌بندی کلی از این نظریه‌ها داشته باشیم می‌توانیم بگوییم که انواع این نظریه‌ها عبارت‌اند از:

الف. نظریه انتخاب عاقلانه؛

ب. نظریه‌های ساختار اجتماعی؛

پ. نظریه‌های فرآیندهای اجتماعی.

در هر یک از این نظریه‌ها به روش‌های مختلف سعی شده است از مفهوم سرمایه اجتماعی یا یکی از معرف‌های آن برای کمک به تبیین توانایی‌های متفاوت اجتماعات انسانی نسبت به حل دامنه وسیعی از مسائل جمعی مانند قانون‌گریزی استفاده گردد.

از دیدگاه انتخاب عقلانی، افرادی که دارای انتخاب‌های عقلانی هستند، زمانی دست به قانون‌گریزی می‌زنند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت به‌دست می‌آید، بیشتر از آستانه اخلاقی¹ باشد (لدرمن و دیگران، 13:1999 به نقل از چلبی و مبارکی، 10:1384). بنابراین زمانی که سرمایه اجتماعی در یک جامعه زیاد باشد، افراد کمتر دست به قانون‌گریزی می‌زنند؛ زیرا با انجام این کار شبکه روابط خود را از دست می‌دهند و از طرف جامعه و اطرافیان طرد می‌شوند. براساس نظریه انتخاب عقلانی می‌توان گفت که در

1. Moral threshold

صورت وجود سرمایه اجتماعی مثبت و وجود روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین اعضای جامعه، افراد در اغلب موارد مرتکب قانون‌گریزی نمی‌شوند، زیرا این کار هزینه زیادی برای آن‌ها خواهد داشت و در نتیجه با توجه به سود کم این انتخاب، از قانون‌گریزی پرهیز می‌نماید (لیتل، 1381:65).

نظریه‌های ساختار اجتماعی اظهار می‌نمایند که نیروهای اقتصادی و اجتماعی در جهت الگوهای تخریب نواحی طبقات پایین‌تر عمل می‌نمایند و بسیاری از ساکنان آن‌ها را درون الگوهای رفتاری [قانون شکنانه] قرار می‌دهند. این نظریه‌ها وجود گروه‌های نوجوان نظارت نشده، میزان جرم بالا و بی‌نظمی اجتماعی در مناطق فقیرنشین را به‌عنوان مسائل اجتماعی عمده در نظر می‌گیرند. به‌طور کلی، سه شاخه مستقل، اما مطابق با هم در درون دیدگاه ساختار اجتماعی وجود دارد که عبارت است از:

الف. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی؛

ب. نظریه فشار؛

پ. نظریه فشار عمومی (رابرت اگینو، 1997) که هر یک از آن‌ها به نوعی رابطه بین سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی را تبیین می‌نمایند (چلبی و مبارکی، 1384:11).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی (1942) و به‌تازگی کار انجام شده به‌وسیله بورسیک (1988)، سمپسن (1986) و دیگران بر روی سازگاری گروهی نسبت به فرآیندهای اجتماعی، از قبیل شهرنشینی و تغییر الگوهای رشد اقتصادی، بیشتر از بزه کاری فردی تأکید می‌نمایند (همان:11).

پیروان این دیدگاه معتقدند که مهاجرت، صنعتی شدن و رشد سریع شهری، موجبات زیرپا گذاشتن یا عدم پیروی از الگوهای تثبیت شده و کاملاً سازمان‌یافته زندگی را فراهم می‌آورند و این الگوها به‌طور متقابل به‌وسیله قواعد رفتاری که از توافق عمومی برخوردار هستند، هدایت می‌شوند. قواعد مذکور در مواقعی که تغییر اجتماعی سریع به‌وجود می‌آید از هم پاشیده می‌شوند. از این رو، مردم معیارهایی را که به روابط و رفتارهای آن‌ها نظم می‌بخشد، از دست می‌دهند. به عبارت دیگر برخی اجتماعات به خاطر اختلال در فرآیندهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی قادر به خود تنظیمی مؤثر¹ نیستند. این

مسئله باعث می‌شود پیوندهای اعضای جامعه نسبت به همدیگر و نسبت به اجتماع (جامعه) سست شود و در نتیجه افراد به آسانی از هنجارهای مرسوم اجتماع عبور کنند و آن‌ها را زیر پا بگذارند که قانون‌گریزی از این طریق در جامعه گسترش پیدا می‌کند. زیرا این اجتماعات بی‌سازمان، قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند. به خاطر این که آن‌ها نمی‌توانند وفاق مربوط به ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها یا توافقات سلسله‌مراتبی را در میان اعضایشان ایجاد یا حفظ نمایند. بنابراین به دنبال بی‌سازمانی اجتماعی حاصل در مناطقی که به‌وسیله جمعیت‌های ناپایدار مشخص می‌شوند، زمینه‌های مناسبی برای تخطی از قانون به‌وجود می‌آید (واحدی و همکاران، 1388).

بر طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی پایه و اساس کنترل اجتماعی است؛ به خاطر این که آن نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به‌وجود می‌آورد. آن چیزی که است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین، اجتماعات سازمان نیافته تا حدودی گرفتار قانون‌گریزی و شرایط منفی دیگر می‌باشند، به خاطر این که آن‌ها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (ارل رابینگتون¹، 52:1386).

یکی دیگر از نظریه‌پردازان این حوزه ادوین سادرلند می‌باشد که نقش کنش‌های متقابل اجتماعی و جنبه‌های تعاملی را در شکل‌گیری رفتار و گرایش‌ات انسان‌ها مورد تأکید قرار داده و در نظریه پیوند افتراقی خود معتقد است که، رفتار غیرقانونی (قانون‌شکنانه) از طریق کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود. افرادی که دست به قانون‌گریزی می‌زنند، در «انتقال فرهنگ» خود، نه تنها تکنیک‌ها و چگونگی انجام رفتار تخلف‌آمیز را می‌آموزند، بلکه انگیزه، سائق و توجیه رفتار تخلف‌آمیز را نیز منتقل می‌کنند. به این صورت که افراد مستعد قانون‌گریزی در هم‌نشینی با افراد جامعه تعریف‌هایی را یاد می‌گیرند که گاه موافق و گاه مخالف با رفتارهای قانون‌گريزانه است. اگر تعریف‌هایی که کنش‌های قانون‌گريزانه را قبول می‌نمایند با پشتوانه‌ای قوی‌تر از تعریف‌های قانون‌گرایی به فرد القا شود و فرد نیز در

1. Rubington, E.

دفعات بیشتری با این دسته تعاریف مواجه گردد، احتمال اینکه فرد مرتکب قانون‌گریزی شود، بیشتر است. (واحدی و همکاران، 1388:45).

نظریه فشار فرض می‌کند که وقایع پرتنش در خانواده یا محله، به احساسات منفی و بعداً بزه‌کاری منجر می‌گردد. به ویژه اگر منابع چیره شود، مثلاً حمایت والدین و همسالان قابل دسترسی نباشد. براساس این تئوری می‌توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی هم‌چنین کاهش سرمایه اجتماعی هم در جامعه و هم در درون خانواده باعث می‌شود که افراد هنگام روبه‌رو شدن با منابع فشار نتوانند بر آن غلبه نمایند، در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می‌شود که به وقوع آسیب‌های اجتماعی از جمله قانون‌گریزی منجر خواهد شد. از نظر آگینو¹، عواملی در جامعه وجود دارند که برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و منجر به کج‌رفتاری و قانون‌شکنی از جانب آن‌ها می‌شود (آگینو، 1997). رابرت مرتن² علت این فشار را ناشی از عدم توانایی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند، آلبرت کوهن³ ناکامی در رسیدن به جایگاه بالاتر در جامعه را عامل فشار برمی‌شمارد و کلووارد و اوهلین⁴ عدم برخورداری اشخاص از فرصت‌های مشروع برای نیل به هدف را، واردکننده فشار به افراد و راندن آنان به سوی قانونشکنی می‌دانند (صدیق سروستانی، 1383:15).

فوکویاما معتقد است که قدرت و کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه به میزان پای‌بندی اعضای آن جامعه به هنجارها و ارزش‌های مشترک و توانایی آن‌ها برای چشم‌پوشی از منافع شخصی در راستای خیر و سعادت همگانی بستگی دارد (پروساک، 2001:76). وی هنجارهای موجود در فرهنگ‌های مختلف را مولد سرمایه اجتماعی می‌داند. هنجارهایی که در فرهنگ و تمدن‌ها وجود دارد، موجب پیوند یافتن مردم به یکدیگر می‌شود و همکاری بین دو یا چند فرد را به‌وجود می‌آورد (تاج‌بخش، 1385:169). هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه منجر می‌شود و اساساً شامل سجایایی چون صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه می‌باشد (فوکویاما، 1379:12). این هنجارها توسط جامعه تولید می‌شود و تمدن‌های بشری با تولید هنجارهای مورد نیاز برای تولید

1. Agnew, R.
2. Merton, R.
3. Cohen, A.
4. Klavard & Ohline

سرمایه اجتماعی، تا حد ممکن حیات جامعه را حفظ می‌کنند. اما اگر این هنجارها بی‌اثر گردند، سرمایه اجتماعی نیز رو به نقصان می‌رود؛ و در این موقع آسیب‌های اجتماعی نمایان خواهد شد.

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی از طریق مکانیسم‌های متعددی می‌تواند میزان قانون‌گریزی افراد و جامعه را تحت تأثیر قرار داده و آن را کاهش یا افزایش دهد. این مکانیسم‌ها را می‌توان در فرآیندهای روان‌شناختی اجتماعی و کنش‌های متقابل مشترک با مردم در تمام بخش‌های یک ساختار اجتماعی جست و جو کرد. تئوری‌های فرآیند اجتماعی بر کنش‌های متقابل مردم با سازمان‌های گوناگون، نهادها و فرآیندهای اجتماعی تأکید می‌نمایند و مطرح می‌کنند که اگر روابط موجود در بین مردم از نوع مثبت و گرم باشد، مردم می‌توانند از عهده مسائل اجتماعی برآیند. اما اگر این روابط منفی و مخرب باشند، مردم را با مشکل مواجه ساخته و میزان قانون‌گریزی را در جامعه افزایش خواهند داد (چلبسی و مبارکی، 13:1384).

همچنین محققان در تبیین رابطه بین برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی و قانون‌گرایی معتقدند، پیوند اجتماعی، اعتماد، همبستگی گروهی، پایبندی به تعهدات و همیاری، که جز شاخص‌های عمده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند هر یک به نحوی متناظر با نظم اجتماعی هستند. افزایش آن‌ها موجب تقویت نظم و کاهش آن باعث انحرافات اجتماعی، جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، خودکشی، قانون‌شکنی و امثال آن می‌شود. بنابراین، چنانچه سرمایه اجتماعی به معنی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی باشد، کج رفتاری‌های اجتماعی نیز نشانه فقدان سرمایه اجتماعی است. نتیجه آنکه نظم اجتماعی، سرمایه اجتماعی و هم‌نوایی اجتماعی، هر سه مفاهیم متناظر یکدیگرند و نبود هر یک مبین نا به هنجاری، انحراف، آسیب اجتماعی و اختلال در نظام کارکردهای نهادهای مختلف در جامعه است (صدیق سروستانی، 210:1383).

از نظر پوتنام اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر، یک اعتماد غیرشخصی‌تر

ضرورت می‌یابد. با این وجود مسئله اعتماد (به‌عنوان اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی) بین مردم و حکومت یکی از مباحث قابل توجه در ایجاد سرمایه اجتماعی و بالطبع حل آسیب‌های اجتماعی است (شریفیان ثانی، 8:1381).

کاکس (1997) معتقد است روابط اجتماعی در صورتی به منبعی بالقوه برای تحقق اهداف جمعی درمی‌آید که در فضایی اعتمادآمیز و مبتنی بر هنجارهای دعوت‌کننده به مشارکت و کمک و مساعدت به دیگران بنا شده باشد. هر جامعه‌ای که اعضای غیرقابل اعتماد زیادی دارد، فاقد تجارب و انتظارات مثبت هستند، در مورد پیروی از قوانین (قانون‌گرایی)، جرم، خودکشی، خشونت، شرایط بهداشتی و سایر شاخص‌های اجتماعی مشکلات اساسی دارد.

خیلی مشکل‌تر است که جماعتی را متقاعد کنیم تا سبک زندگی سالم‌تری را پیش بگیرند، اگر پیام از سوی افرادی باشد که اعتماد زیادی نسبت به آن‌ها وجود ندارد. سطح پایین اعتماد موجب رفتار ضد اجتماعی می‌شود. اعتماد برای پذیرش قوانین (قانون‌گرایی) لازم است. کاکس اعتقاد دارد که وقتی تمرکز بر تغییر رفتار گروه‌های فرعی در درون یک گروه مشخص است، تغییر در رفتار محتمل نیست مگر درجه‌ای از اعتماد اجتماعی و مدنی وجود داشته باشد، در غیر این صورت، منابع اختیار و قدرت از هیچ‌گونه اختیار و احترامی برخوردار نخواهند بود که به آن متکی باشند (کاکس، 1997 به نقل از شریفیان ثانی: 15). والتر رکلس و همکارانش، علل زیرساز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را احساس عدم امنیت اقشار جامعه می‌دانند و معتقدند که رفتارهای معطوف به احساس ایمنی بیشتر زاینده امنیت محیط‌های زندگی است. بر این اساس وجود جرم و آسیب‌های اجتماعی در جامعه سبب ایجاد احساس ناامنی می‌شود. هر چقدر میزان جرم و جنایت در یک محیط اجتماعی افزایش یابد، به همان نسبت احساس امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد (نوروزی و فولادی سپهر، 139:1388).

مرتن نیز فقدان امنیت در یک جامعه را مساوی بی‌نظمی اجتماعی و بروز رفتارهای انحرافی قلمداد می‌کند و این حالت را ناشی از شکاف بین اهداف و هنجارهای فرهنگی و ظرفیت‌های ساختار اجتماعی برای نیل به موفقیت می‌داند. در مجموع از نظر وی وجود بی‌قانونی، بی‌اهمیت شدن قوانین و مقررات، قانون‌شکنی و قانون‌گریزی، عدم یکپارچگی،

رهایی کامل فرد و بالاخره انحرافات و کجروی‌های اجتماعی همگی نشانه‌های چنین حالتی در جامعه هستند (همان: 135).

بنابراین در جمع‌بندی کلی درباره نظریات مطرح شده در این زمینه، می‌توان از دو استدلال بنیادی کاهش قانون‌گریزی تحت تأثیر سرمایه اجتماعی صحبت به میان آورد: نخست این‌که سرمایه اجتماعی به سبب ایجاد پتانسیل مثبتی که در فرد ایجاد می‌کند، هزینه‌های روابط و تعاملات اجتماعی را کاهش می‌دهد. در نتیجه باعث تقویت اعتماد، تسهیل همکاری، حل مسالمت‌آمیز تضادها و تنش‌های اجتماعی بین افراد در جامعه می‌شود؛ به صورتی که در چنین فضایی افراد به شکل مؤثرتری بر فرصت‌طلبی و مشکلات مربوط به عمل جمعی‌شان فائق می‌آیند.

دوم این‌که سرمایه اجتماعی تنها به منزله مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و گروه‌هایی که دور هم جمع می‌باشند و به یکدیگر چسبیده‌اند نیست، بلکه بیانگر شدت و نوع رابطه بین آن‌ها و بین کنشگران در جامعه است. بنابراین، در صورتی که در جامعه بین اعضاء پیوندها و روابط گرم وجود داشته باشد، بهتر می‌توانند در برابر مسائلی که در کنش‌های جمعی‌شان با آن‌ها مواجه می‌شوند، غلبه کنند و از این طریق پتانسیل کج‌رفتاری‌ها، بزه‌کاری و الگوهای قانون‌شکنانه و متضاد از سوی افراد در جامعه کاسته خواهد شد.

فرضیه‌های تحقیق

1. میزان سرمایه اجتماعی بر حسب جنسیت متفاوت است.
2. میزان قانون‌گریزی بر حسب جنسیت متفاوت است.
3. میزان سرمایه اجتماعی بر حسب وضعیت اشتغال متفاوت است.
4. میزان قانون‌گریزی بر حسب وضعیت اشتغال متفاوت است.
5. بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی شهروندان و میزان سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
6. بین متغیرهای دموگرافیکی سن، تحصیلات و پایگاه اقتصادی- اجتماعی شهروندان و میزان قانون‌گریزی آنان رابطه وجود دارد.
7. بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان قانون‌گریزی شهروندان، رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه افراد متأهل 15 سال به بالای (سرپرست خانوار) شهر یزد در سال 1390 تشکیل می‌دادند که تعداد آن‌ها در سال 1385 برابر با 255687 نفر بوده است. برای تعیین حجم نمونه، پس از انجام پیش‌آزمون بر روی 30 نفر از سرپرستان خانوار و به‌دست آوردن واریانس صفت مورد مطالعه، تعداد 362 نفر به‌عنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، برآورد گردید.

با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر بررسی تجربی رابطه سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی بوده است، لذا واحد تحلیل در این تحقیق، فرد پاسخ‌گو یعنی افراد متأهل می‌باشد. بدین ترتیب سطح تحلیل خرد است.

روش نمونه‌گیری: از آنجا که جامعه آماری وسیع و گسترده بود و تراکم جمعیتی نیز در نقاط مختلف شهر متفاوت بود، از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده نمودیم. در مرحله اول، شهر یزد به 10 بلوک شهری به‌عنوان خوشه تقسیم‌بندی شد، سپس در داخل خوشه‌ها نمونه‌گیری سیستماتیک به عمل آمد.

ابزار گردآوری اطلاعات: برای گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است.

اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری: پس از تهیه سؤالات پرسش‌نامه و اصلاحات علمی و ادبی توسط ناظران و چند تن از کارشناسان، از اعتبار صوری¹ و از ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی پرسش‌نامه استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ هر کدام از سازه‌های به کار رفته در پژوهش در جدول شماره 1 گزارش شده است.

جدول شماره 1. ضریب آلفای کرونباخ (بایایی سازه‌های پژوهش)

میزان آلفا	تعداد گویه	سازه‌ها و ابعاد
0/78	10	قانون‌گریزی (شاخص کلی)
0/84	34	سرمایه اجتماعی (شاخص کلی)
0/72	4	مشارکت اجتماعی
0/77	4	اعتماد بین شخصی
0/83	5	مشارکت مدنی
0/76	5	هنجارهای اجتماعی (حمایت اجتماعی)
0/81	7	آگاهی به قوانین
0/78	5	اعتماد اجتماعی به مجریان قانون
0/83	4	احساس امنیت اجتماعی

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به تناسب سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های آماری مانند «تی تست»، «ضریب همبستگی پیرسون»، «تحلیل واریانس یک‌طرفه» و رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

الف. یافته‌های توصیفی

48/6 درصد از پاسخگویان را زنان، و 51/4 درصد را مردان تشکیل می‌دهند. دامنه سنی پاسخگویان بین 19 تا 76 سال بوده و میانگین سنی آن‌ها 37/61 سال است. 0/3 درصد از پاسخگویان بی‌سواد، 5/5 درصد ابتدایی، 8/3 درصد سیکل، 36/7 درصد دیپلم، 40/3 درصد لیسانس، 5 درصد فوق لیسانس و 2/2 درصد از آنان دارای تحصیلات دکترا بودند. 30/7 درصد از پاسخگویان خانه‌دار، 8 درصد بی‌کار، 11/6 درصد شغل آزاد داشتند، 11/3 درصد کارگر ماهر یا غیرماهر بودند، 26 درصد کارمند، 6/4 درصد بازنشسته بودند و 3/6 درصد دارای مشاغل سطح بالا (استاد دانشگاه، پزشک، وکیل و...) بودند. 27/3 درصد از

پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، 55/2 درصد متوسط و 10/5 درصد دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا می‌باشند.

همچنین میانگین میزان سرمایه اجتماعی شهروندان 47/11 و میانگین میزان قانون - گریزی هم 53/49 از صد بوده است. بنابراین میزان سرمایه اجتماعی شهروندان از حد متوسط پایین‌تر و میزان قانون‌گریزی آن‌ها تا حدودی بالاتر از حد متوسط است. همچنین یافته‌های جدول نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد به لحاظ اکثر مؤلفه‌ها و ابعاد پایین رو به متوسط است. در این میان میانگین میزان هنجارهای اجتماعی در بالاترین و میانگین میزان احساس امنیت در پایین‌ترین حد قرار دارند.

جدول شماره 2. میانگین سرمایه اجتماعی، ابعاد آن و قانون‌گریزی

مفاهیم	حداقل	حداکثر	میانگین
قانون‌گریزی	0	100	53/49
ابعاد سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی	0	100
	اعتماد بین شخصی	0	100
	مشارکت مدنی	0	100
	هنجارهای اجتماعی	0	100
	آگاهی قانونی	0	100
	احساس امنیت	0	100
	اعتماد به مجریان قانون	0	100
	سرمایه اجتماعی کل	0	100

جدول شماره 3. توزیع درصدی و آماره توصیفی مؤلفه‌های قانون‌گریزی پاسخگویان

آماره‌ها	توزیع درصدی					مؤلفه‌های قانون‌گریزی	
	ک. مخالف	متوسط	ک. موافق	میانگین	میانگین		
4	6/9	13/3	13/8	43/9	22/1	3/61	در مجموع آدم‌هایی که قانون را رعایت نمی‌کنند، موفق‌ترند.
4	5	16/6	9/7	49/7	19/1	3/61	تا کسی بالای سرم نباشد قانون را رعایت نمی‌کنم.
4	2/8	11/9	16/9	51/7	16/9	3/68	به تجربه فهمیدم هرگاه قانون را رعایت نمی‌کنم، کارها راحت‌تر انجام می‌شوند.
4	8/8	16/3	21/5	39/8	13/5	3/33	چرا باید از قانون اطاعت کنم در حالی که، مجربان قانون خود از آن اطاعت نمی‌کنند.
4	7/7	19/9	18/8	38/4	15/2	3/33	در جامعه ما، قانون از آن جهت وضع شده که فقط عده‌ی خاصی نفع ببرند.
2	11/9	39/5	22/9	20/2	5/5	2/68	گاهی اوقات لازم است که شهروندان (مثلاً از طریق نجمتات) سعی کنند برخی از قوانین را تغییر دهند.
4	2/2	16	18	44/2	19/6	3/63	باید از قوانین اطاعت کرد، حتی اگر مغایر با چیزی باشد که فکر می‌کنیم درست است.
4	5	22/7	16	37/3	19/1	3/43	تخلف از قوانین هیچ توجیهی ندارد.
4	3/6	9/1	11/3	53	22/9	3/83	درست است که قانون در جامعه مهم است ولی، می‌توان به خاطر خانواده و دوستان نزدیک از آن چشم‌پوشی کرد.
4	1/1	8/3	9/9	51/7	29	3/99	شاید قوانین با برخی از ارزش‌های من ناسازگار باشد ولی، باید از آن اطاعت کنم.

همان‌گونه که ارقام مندرج در جدول 3 نشان می‌دهد، 20/2 درصد از پاسخگویان مخالف و کاملاً مخالف و 66 درصد آنان موافق و کاملاً موافق‌اند که آدم‌هایی که قانون را رعایت نمی‌کنند موفق‌ترند. 21/5 درصد مخالف و کاملاً مخالف و 68/8 درصد موافق و کاملاً موافق‌اند، تا حضور کسی را احساس نکنند، قانون را رعایت نمی‌کنند. 68/6 درصد از پاسخگویان موافق و کاملاً موافق و تنها 14/6 درصد از آنان مخالف و کاملاً مخالف این هستند که زمانی که قانون را رعایت نمی‌کنند کارهای‌شان راحت‌تر انجام می‌شود. 25/1 درصد مخالف و کاملاً مخالف و 53/3 درصد موافق و کاملاً موافق‌اند که چرا باید از قانون

اطاعت کنند در حالی که مجریان قانون از آن سرپیچی می‌کنند. 27/6 درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند که قانون در جهت منفعت عده خاص در جامعه، وضع شده است در حالی که 53/6 درصد موافق و کاملاً موافق این مطلب هستند. 51/4 درصد مخالف و کاملاً مخالف تغییر قوانین از طرقی مثل تجمعات هستند اما تنها 25/7 درصد موافق و کاملاً موافق این هستند که گاهی اوقات لازم است تغییراتی در قوانین صورت گیرد. 18/2 درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند که اطاعت از قانون الزامی است حتی اگر مغایر با دانسته‌های پاسخگویان موافق و کاملاً‌اند که اطاعت از قانون الزامی است حتی اگر مغایر با دانسته‌های درست ما باشد. 56/4 درصد موافق و کاملاً موافق‌اند که تخلف از قوانین هیچ توجیهی ندارد در حالی که تنها 27/6 درصد مخالف و کاملاً این مطلب هستند. 80/7 درصد از پاسخگویان موافق و کاملاً موافق‌اند باید از قانون اطاعت کرد حتی در صورت مغایرت داشتن با ارزش‌های شخصی اما تنها 9/4 درصد از آنان مخالف و کاملاً مخالف بودند. به این ترتیب میزان قانون‌گریزی شهروندان شهر یزد به لحاظ اکثر مؤلفه‌ها، متوسط رو به بالاست. همچنین بالاترین و کمترین میانگین میزان قانون‌گریزی به ترتیب متعلق به گویه آخر (با میانگین 3/99) و گویه شش (با میانگین 2/68) است.

جدول شماره 4. توزیع درصدی و آماره‌های توصیفی مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی شهروندان شهر یزد

آماره			توزیع درصدی					مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی
نما	میانگین	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
37/50	37/50	41/97	مشارکت اجتماعی					
1	2	2/54	8/3	16/3	25/1	21/5	28/7	ارائه پیشنهاد به ادارات برای بهبود عملکردشان
1	2	2/38	4/4	12/2	29	25/4	29	شرکت در سخنرانی‌های مسئولان اداری
3	3	2/84	10/2	19/6	31/5	21/5	17/1	همکاری یا دوستان و آشنایان در انجام خدمات عمومی
3	3	2/96	13/8	19/1	32	19/3	15/7	انجام نرمش یا ورزش‌های سبک در طول هفته
61/54	46/15	40/01	اعتماد بین شخصی					
3	2	2/15	0/6	2/2	37/8	30/9	28/5	اعتماد مردم نسبت به یکدیگر
3	2	2/28	0/6	3	43/1	30/9	22/4	پایبندی به قول و قرار در جامعه کنونی
3	2	2/38	0/8	9/1	38/4	30/9	20/7	فرض دادن وسایل شخصی به دوستان بدون هیچ نگرانی

اعتماد افراد به دوستانشان در جامعه کنونی	21/5	27/9	42/5	7/2	0/8	2/38	3	2
--	------	------	------	-----	-----	------	---	---

ادامه جدول شماره 4. توزیع درصدی و آماره‌های توصیفی مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی شهروندان

آماره		توزیع درصدی						مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی
نما	میانانه	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
50	50	46/89	مشارکت مدنی					
3	3	3/15	11/6	30/4	31/8	14/4	11/9	تمایل به عضویت در انجمن‌های خیریه
2	3	2/75	12/2	18/5	21/8	27/6	19/9	تمایل به عضویت در گروه‌های هنری
3	3	2/84	11/3	19/1	29/8	21/8	18	تمایل به عضویت در کانون‌های فرهنگی
3	3	2/70	8/3	17/1	29/3	27/3	18	تمایل به عضویت در کانون‌های هلال احمر
3	3	2/93	12/7	32/5	25/7	19/9	18/2	تمایل به عضویت در هسته‌های مختلف علمی
75	65	62/72	هنجارهای اجتماعی					
4	4	3/62	17/1	40/6	32/3	6/9	3	کمک به دوستان در هنگام گرفتاری آن‌ها
4	4	3/73	21/5	41/7	26	9/4	1/4	تمایل به کمک به دوستان، هنگام مشکلات خانوادگی آن‌ها
4	4	3/68	21	38/7	30/9	6/4	3	احساس تکلیف کردن جهت بهبود اوضاع محل زندگی و جامعه
3	3	3/18	9/1	27/6	43/1	12/7	7/5	بول قرض دادن به دیگران به‌منظور حمایت مالی و اقتصادی آنان
3	3	3/33	10/5	33/3	42/8	8/8	5/5	پیش‌قدم بودن در گوش دادن به درد دل دوستان، همسایه‌ها و فامیل
29/63	37/03	36/98	آگاهی قانونی					
3	3	2/25	5/2	9/7	26/8	21	37/3	اطلاع از اصل سی‌ام قانون اساسی (اصل آموزش و پرورش)
3	3	2/04	1/9	6/1	25/1	27/6	39/2	اطلاع از اصل چهل و سوم قانون اساسی (اصل تأمین نیازهای اساسی)
3	3	2/56	1/9	11/6	43/4	26/8	16/3	آگاهی و اطلاع از قوانین خانواده
3	3	2/61	5	15/7	36/7	20/4	22/1	آگاهی از قوانین موجر و مستأجر
3	3	2/48	2/5	12/4	37/3	26/2	21/5	آگاهی از قانون کار
3	3	2/70	6/4	16/9	35/4	23/5	18	آگاهی از قوانین بیمه، چک و سفته

2	2	2/35	2/5	11/9	29	31/2	25/4	آگاهی از اصل نهم قانون اساسی (اصل آزادی در جامعه)
---	---	------	-----	------	----	------	------	---

ادامه جدول شماره 4. توزیع درصدی و آماره‌های توصیفی مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی شهروندان

آماره			توزیع درصدی					مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی
نما	میانگین	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
29/63	37/03	36/98	آگاهی قانونی					
3	3	2/25	5/2	9/7	26/8	21	37/3	اطلاع از اصل سیم قانون اساسی (اصل آموزش و پرورش)
3	3	2/04	1/9	6/1	25/1	27/6	39/2	اطلاع از اصل چهل و سوم قانون اساسی (اصل تأمین نیازهای اساسی)
3	3	2/56	1/9	11/6	43/4	26/8	16/3	آگاهی و اطلاع از قوانین خانواده
3	3	2/61	5	15/7	36/7	20/4	22/1	آگاهی از قوانین موجر و مستأجر
3	3	2/48	2/5	12/4	37/3	26/2	21/5	آگاهی از قانون کار
3	3	2/70	6/4	16/9	35/4	23/5	18	آگاهی از قوانین بیمه، چک و سفته
2	2	2/35	2/5	11/9	29	31/2	25/4	آگاهی از اصل نهم قانون اساسی (اصل آزادی در جامعه)
25	31/25	33/21	احساس امنیت اجتماعی					
3	3	2/69	8/6	21	24	23/5	22/9	احساس امنیت از راه رفتن و نشستن در پارک به تنهایی
3	3	2/55	5/2	19/1	26	25/1	24/6	احساس امنیت از راه رفتن به تنهایی در یک مسیر خلوت
1	2	2/03	3	6/4	22/9	26/2	41/4	احساس امنیت از تردد با مسافرکش-های شخصی، به تنهایی
2	2	2/04	1/4	5/2	22/9	37	33/4	احساس امنیت کردن از دوستی و صحبت کردن با افراد غریبه
52/94	58/82	58/15	اعتماد به مجریان قانون					
4	3	3/18	7/5	39/5	22/7	24	6/4	چقدر می‌توان به راحتی پلیس را پیدا کرد که واقعاً بتوان مورد اعتماد باشد.
4	3	3/09	4/7	34/3	32	22/9	6/1	چقدر می‌توان به راحتی به وکلای دادگستری اعتماد کرد.
4	3	3/12	9/4	24/3	28/7	28/2	9/4	برخورد قضات با مردم صرف‌نظر از توجه به مقام و ثروتشان
4	3	2/96	10/5	33/7	19/1	27/6	9/1	برخورد نیروی‌های انتظامی با مردم فارغ از جایگاهشان در جامعه
4	3	3/09	15/5	41/7	20/7	16/9	5/2	در مجموع چقدر می‌توان به قوه

قضاییه اعتماد کرد.						
43/67	45/97	47/11	سرمایه اجتماعی کل			

ارقام مندرج در جدول شماره 4 نشان می‌دهد میانگین میزان سرمایه اجتماعی شهروندان در بُعد احساس امنیت اجتماعی در پایین‌ترین حد و در بُعد هنجارهای اجتماعی در بالاترین حد قرار دارد. طبق داده‌های جدول بالا، 75/4 درصد از پاسخگویان، به میزان متوسط و کمتر و 24/6 درصد، به میزان زیاد و خیلی زیاد در ارائه پیشنهادات برای بهبود عملکرد ادارات شرکت نموده‌اند. 83/4 درصد در سخنرانی‌های مسئولان اداری، به میزان متوسط و کمتر و 16/6 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد شرکت داشته‌اند. 70/2 درصد به میزان متوسط و کمتر و 29/8 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد در همکاری با دوستان و آشنایان در انجام خدمات عمومی شرکت داشته‌اند. 67/1 درصد به میزان متوسط و کمتر و 32/9 درصد از آنان به میزان زیاد و خیلی زیاد در انجام نرمش یا ورزش‌های سبک در طول هفته شرکت داشتند.

97/2 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و 2/8 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد به یکدیگر اعتماد دارند. 96/4 درصد از پاسخگویان بیان داشتند که در جامعه کنونی کمتر پای‌بندی به قول و قرار وجود دارد، و تنها 3/6 درصد از آنان به میزان زیاد و خیلی زیاد بیان داشتند که در جامعه کنونی پای‌بندی به قول و قرار وجود دارد. 90/1 درصد به میزان متوسط و کمتر و تنها 9/9 درصدشان به میزان زیاد و خیلی زیاد بیان داشتند، می‌توانند بدون هیچ نگرانی وسایل شخصی‌شان را به دیگران قرض بدهند. 92 درصد به میزان متوسط و کمتر و 8 درصد نیز به میزان زیاد و خیلی زیاد می‌توانند به دوستانشان اعتماد کنند.

58/2 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و 41/8 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد تمایل به عضویت در انجمن‌های خیریه دارند. 69/3 درصد به میزان متوسط و کمتر و 30/7 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد تمایل به عضویت در گروه‌های هنری دارند. 69/6 درصد به میزان متوسط کمتر و 30/4 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد تمایل به عضویت در کانون‌های فرهنگی داشته‌اند. 74/6 درصد به میزان کمتر و تنها 25/4 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد تمایل به عضویت در هلال احمر داشتند. همچنین یافته‌های

نشان داد که 63/8 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و 36/2 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد تمایل به عضویت در هسته‌های علمی داشتند.

42/3 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و 57/7 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد هنگام گرفتاری دوستانشان به آن‌ها کمک می‌کنند. 36/7 درصد به میزان متوسط و کمتر و 63/3 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد در زمان مشکلات خانوادگی دوستانشان به آن‌ها کمک می‌کنند. 40/3 درصد به میزان متوسط و کمتر و همچنین 59/7 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد نسبت به کمک‌رسانی جهت بهبود اوضاع محل و جامعه احساس مسئولیت می‌کنند. 63/3 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر تنها 36/7 درصد از آنان به میزان زیاد و خیلی زیاد حاضرند در جهت حمایت اقتصادی دیگران به آنان پول قرض دهند. همچنین یافته‌ها نشان داد که 57/2 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و تنها 42/8 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد در گوش دادن به درد دل دوستان، همسایه یا افراد فامیل پیش‌قدم هستند.

85/1 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر از اصل سی‌ام قانون اساسی آگاهی داشتند و تنها 14/9 درصد از این اصل به میزان زیاد و خیلی زیاد آگاهی داشتند. 92 درصد به میزان متوسط و کمتر از اصل چهل و سوم قانون اساسی آگاهی داشتند. 86/5 درصد به میزان متوسط و کمتر و 12/5 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد از قوانین مربوط به حقوق خانواده آگاهی داشتند. 79/3 درصد به میزان متوسط و کمتر و 20/7 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد از قوانین موجر و مستأجر داشتند. 85/1 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و 14/9 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد از قانون کار آگاهی داشتند. 76/8 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و تنها 23/3 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد نسبت به قوانین بیمه، چک یا سفته آگاهی داشتند. همچنین داده‌های جدول نشان داد که 85/6 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر از اصل نهم قانون اساسی داشتند و تنها 14/4 درصد آگاهی زیاد و خیلی زیادی از این اصل داشتند.

40/4 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر 29/6 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد از راه رفتن و نشستن در پارک به تنهایی احساس امنیت می‌کنند. 57/7 درصد به میزان متوسط و کمتر تنها 24/3 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد از راه رفتن به تنهایی

در یک مسیر خلوت احساس امنیت می‌کنند. 90/6 درصد به میزان متوسط و کمتر و تنها 9/4 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد از تردد با مسافرخش‌های شخصی به تنهایی احساس امنیت می‌کنند. همچنین یافته‌ها نشان داد که 93/4 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و تنها 6/6 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد از دوستی و صحبت کردن با افراد غریبه احساس امنیت می‌کنند.

براساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، 53 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و 74 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد در شرایط کنونی جامعه می‌توانند به راحتی به پلیس اعتماد کنند. 61 درصد به میزان متوسط و کمتر و تنها 39 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد در شرایط کنونی جامعه می‌توانند به راحتی و با اطمینان خاطر به وکلای دادگستری اعتماد داشته باشند. 66/3 درصد از پاسخگویان به میزان کمتر و متوسط و 33/7 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد برخورد قانون قضات با مردم را یکسان می‌دانند. 55/8 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و 44/2 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد برخورد نیروی انتظامی با اقشار جامعه را یکسان می‌دانند. 42/8 درصد از پاسخگویان به میزان متوسط و کمتر و 57/2 درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد در مجموع به قوه قضاییه اعتماد دارند.

بنابراین همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد و از داده‌های جدول برمی‌آید، میزان سرمایه اجتماعی شهروندان در شهر یزد به لحاظ اکثر مؤلفه‌ها و ابعاد پایین روبره متوسط است. در مجموع، میزان سرمایه اجتماعی شهروندان، بر روی مقیاس مدرج صفر تا صد، 47/11 برآورد شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد ضعیف بوده است.

ب. یافته‌های استنباطی

جدول شماره 5. نتایج آزمون مقایسه میانگین میزان سرمایه اجتماعی و میزان قانون‌گریزی بر حسب جنسیت

متغیر	مقوله‌ها	سرمایه اجتماعی			قانون‌گریزی	
		میانگین	اندازه t	سطح معنی‌داری	میانگین	اندازه t معنی‌داری
جنسیت	مرد	50/39	3/75	0/000	24/83	0/138
	زن	43/71			24/62	
						0/891

براساس نتایج جدول شماره 5، میانگین سرمایه اجتماعی در مردان بیشتر زنان است و این تفاوت نیز از لحاظ آماری معنادار است. با توجه به جامعه مرد سالار و حضور بیشتر مردان در جامعه، طبیعی است که میزان روابط آنها نیز بیشتر و سرمایه اجتماعی آنان نیز بالاتر باشد. همچنین میانگین قانون‌گریزی در بین مردان و زنان تقریباً یکسان بوده و تفاوت معناداری با هم ندارند.

جدول شماره 6. نتایج آزمون تحلیل واریانس سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی بر حسب وضعیت شغلی

متغیر	مقوله‌ها	سرمایه اجتماعی			قانون‌گریزی	
		میانگین	اندازه F	سطح معنی‌داری	میانگین	اندازه F سطح معنی‌داری
وضعیت اشتغال	خانه‌دار	41/62	5/59	0/000	25/10	1/58
	بی‌کار	44/62			25/31	
	آزاد	47/18			26/47	
	کارگر	44/70			25/07	
	کارمند	52/26			23/78	
	بازنشسته	51/20			24/08	
	مشاغل سطح بالا	60/83			27	

همان‌طور که از نتایج جدول فوق برمی‌آید، میانگین سرمایه اجتماعی در بین مشاغل سطح بالا، کارمندان و بازنشستگان بیشتر از مشاغل دیگر است و این تفاوت از نظر آماری نیز معنادار است. با توجه به اینکه اشتغال به این مشاغل به تحصیلات بالاتر نیاز داشته و به حضور مؤثرتر در جامعه می‌انجامد، و ارتباطات فرد را گسترده می‌سازد سرمایه اجتماعی بالاتر می‌رود. همچنین میزان قانون‌گریزی در مشاغل مختلف با هم تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

جدول شماره 7. ماتریس همبستگی بین سن، تحصیلات، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و قانون‌گریزی

12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	1-12
											1	قانون‌گریزی
										1	-0/148**	سن
									1	-0/205**	0/040	تحصیلات
								1	0/635**	0/196**	-0/036	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
							1	0/079	0/101	-0/054	-0/247**	اعتماد بین شخصی
					1	0/281**	-0/075	-0/095	0/014	-0/381**		اعتماد به مجریان قانون
				1	0/129*	0/047	0/106	0/062	0/003	-0/146**		مشارکت اجتماعی
			1	0/327**	0/135*	0/141**	0/148**	0/202**	-0/065	-0/298**		مشارکت مدنی
		1	0/385**	0/234**	0/136*	0/197**	0/119**	0/105*	0/059	-0/228**		هنجار اجتماعی
	1	0/085	0/215**	0/225**	0/113*	0/126**	0/296**	0/217**	0/061	-0/128		آگاهی قانونی
1	0/109*	0/273**	0/088	0/035	0/006	0/237**	0/328**	0/208**	0/042	-0/054		احساس امنیت
1	0/461**	0/616**	0/554**	0/655**	0/540**	0/443**	0/471**	0/287**	0/223**	0/024	-0/380**	سرمایه اجتماعی

N=362 *p<=0.05, ** p<=0.01

براساس نتایج جدول فوق، میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، با میزان قانون‌گریزی دارای همبستگی منفی و معنادار می‌باشد. (این رابطه در مورد معرف‌های احساس امنیت و آگاهی قانونی، با وجود منفی بودن شدت رابطه، به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد). به عبارت دیگر هرچه میزان اعتماد بین فردی، اعتماد به مجریان قانون و قانونگذاری، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و میزان مشترک مدنی و عضویتشان در نهادهای مدنی، بالا رود از میزان قانون‌گریزی در جامعه کاسته خواهد شد و بالعکس. در میان ابعاد سرمایه اجتماعی، «اعتماد به مجریان قانون» با ضریب همبستگی به مقدار $r = -0/381$ بیشترین شدت رابطه منفی را با میزان قانون‌گریزی داشته است. همچنین در پژوهش حاضر، متغیر سن با سرمایه اجتماعی دارای رابطه معنادار نبود. ولی متغیر میزان تحصیلات با سرمایه اجتماعی دارای رابطه همبستگی مستقیم و معنادار است. به عبارتی هر چقدر بر میزان تحصیلات فرد افزوده می‌گردد، میزان سرمایه اجتماعی وی نیز افزایش می‌یابد. از طرفی سن با قانون‌گریزی دارای رابطه همبستگی منفی و معنادار می‌باشد، به عبارتی هرچه سن افزایش یابد از میزان قانون‌گریزی کاسته خواهد شد. ولی تحصیلات با قانون‌گریزی دارای رابطه همبستگی معناداری نیست. همچنین براساس جدول فوق، پایگاه اقتصادی اجتماعی

با قانون‌گزیزی دارای رابطه منفی می‌باشد، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست. در صورتی که این متغیر (پایگاه اقتصادی- اجتماعی) با سرمایه اجتماعی دارای رابطه همبستگی مثبت و معنادار است. به این معنا که هرچه بر میزان تحصیلات فرد افزوده می‌گردد، بر میزان سرمایه اجتماعی وی افزوده می‌گردد.

جدول شماره 8. نتایج رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام بین متغیرهای مستقل و قانون‌گزیزی

Sig.	t	ضریب	ضرایب خام		گویه‌های مستقل
		استاندارد شده	Std.Error	B	
0/000	23/011	-	1/74	40/129	مقدار ثابت
0/000	3/74	-0/208	0/107	-0/399	اعتماد بین شخصی
0/001	3/27	-0/184	0/083	-0/271	اعتماد به مجریان قانون
0/006	2/74	-0/153	0/062	-0/171	مشارکت مدنی
		$R=0/362$	$R^2=0/131$	$R^2_{Adj}=0/122$	

تحلیل رگرسیون چند متغیره میزان قانون‌گزیزی براساس متغیرهای وارد شده به مدل، نشان داد که سه متغیر مستقل، اعتماد بین شخصی، اعتماد به مجریان قانون و مشارکت مدنی در مدل رگرسیونی باقی ماندند که ضریب همبستگی چندگانه آن‌ها با رضایت شغلی برابر با $R=0/362$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Adj}=0/122$ به دست آمده است و این ضریب بیانگر آن است که با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیونی، می‌توان 12/2 درصد از واریانس قانون‌گزیزی شهروندان را توضیح داد. مابقی تغییرات متغیر قانون‌گزیزی به دلیل پیچیده و چند بعدی بودن متغیر وابسته ناشی از تأثیر سایر عوامل می‌باشد که در اینجا مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده خطی و معنادار می‌باشد زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر سطح قانون‌گزیزی برابر با 14/66 با سطح معنی‌داری $p=0/000$ است.

در مجموع با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده ملاحظه می‌شود که به ترتیب متغیر اعتماد بین شخصی با $\beta=-0/208$ و متغیر اعتماد به مجریان قانون با $\beta=0-/184$ و

همچنین مشارکت مدنی با $\beta=0-1/153$ بیشترین تأثیر را در تبیین تغییرات و پیش‌بینی متغیر قانون‌گریزی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

قانون‌گریزی یکی از مسائل اجتماعی حاد در جامعه ایران است. آمار رفتارهای خلاف قانون در جامعه به‌طور چشم‌گیر در حال افزایش است، از این رو می‌توان گفت که قانون‌گریزی به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است و تداوم آن، نظام اجتماعی را با آسیب‌های جدی مواجه خواهد ساخت. از آن جایی که قانون‌گریزی با متغیرهای فراوانی در ارتباط می‌باشد، در پژوهش حاضر به بررسی رابطه آن با متغیر سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. سرمایه اجتماعی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً با تمامی مسائل مطرح در حوزه انسانی و اجتماعی، از جمله حوزه آسیب‌های اجتماعی و به‌خصوص قانون‌گریزی در ارتباط می‌باشد. امروزه ماهیت پیچیده آسیب‌های اجتماعی ایجاب می‌کند تا در برخورد و شناخت با تجدید و تکمیل نظریات موجود، با اتکا به یافته‌های نوین، دایره شناخت خود را گسترده‌تر سازیم. از این منظر سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزاری اساسی قابلیت و کارایی بالایی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات، از جمله آسیب‌های اجتماعی دارد. چنانکه می‌توان از آن به‌عنوان راه حل مشکلات اجتماعی نام برد.

نتایج این پژوهش نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی شهروندان با میانگین 47/11 از حد متوسط (از صد) کمتر و میزان قانون‌گریزی آن‌ها با میانگین 50/04 برابر با حد متوسط است.

همچنین میانگین سرمایه اجتماعی در بین مردان با تفاوت معناداری بالاتر از زنان است. اما نتایج پژوهش نشان داد که بین میزان قانون‌گریزی بر حسب جنسیت پاسخگویان، تفاوت معناداری وجود ندارد هر چند که میانگین قانون‌گریزی مردان بالاتر از زنان است، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست.

از نتایج دیگر این پژوهش این است که میزان سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در بین شهروندانی که دارای مشاغل سطح بالا و حرفه‌ای هستند، بیشتر است هر چند این تفاوت در مورد متغیر قانون‌گریزی به لحاظ آماری معنادار نیست.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در مجموع بین سرمایه اجتماعی و قانون-گریزی رابطه منفی، نسبتاً متوسط و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی فرد افزایش یابد از میزان قانون‌گریزی او کاسته شده و رفتارهای قانون‌شکنانه کمتری از وی سر می‌زند. که این نتیجه با نتایج پژوهش ناصری (1388) که معتقد است بین سرمایه اجتماعی و انواع قانون‌گریزی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد، همخوان است. از نظر پوتنام سرمایه اجتماعی اثرات نیرومندی بر بسیاری از ابعاد گوناگون زندگی دارد. برخی از این اثرات عبارت‌اند از: میزان پایین جرم و جنایت، طول عمر بیشتر، بهداشت بهتر، موفقیت تحصیلی بیشتر، فساد اداری کمتر و عملکرد بهتر دستگاه‌های دولتی. از نظر وی چنانچه سرمایه اجتماعی به معنی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی باشد، کج رفتاری‌های اجتماعی نیز نشانه فقدان یا کاهش سرمایه اجتماعی است (شریفیان‌ثانی، 1381:7). از نظر فوکویاما، افزایش سرمایه اجتماعی منجر به تقویت نظم و کاهش آن حاکی از وجود انحرافات اجتماعی، جرم و جنایت، قانون‌شکنی و امثال آن است (صدیق سروستانی، 2010:1383).

همان طور که پیش‌تر اشاره شد، سرمایه اجتماعی در سطح خرد با هفت معرّف «اعتماد بین شخصی»، «اعتماد به مجریان قانون»، «مشارکت اجتماعی»، «مشارکت مدنی»، «هنجارهای اجتماعی (حمایت اجتماعی)»، «آگاهی به قوانین» و «احساس امنیت» سنجیده شده است. از این رو برای تک تک معرف‌های بالا نیز آزمون‌های آماری ویژه‌ای صورت گرفته و نتایج آن به شرح زیر مورد مذاقه قرار گرفت:

ضرایب همبستگی مربوط به معرف‌های مذکور در بین کل پاسخگویان نشان داد که به جز دو بعد «آگاهی به قوانین و احساس امنیت»، کلیه ابعاد دیگر سرمایه اجتماعی با شاخص قانون‌گریزی دارای روابط منفی و معنادار می‌باشند. هرچه میزان اعتماد بین فردی، اعتماد به مجریان قانون و قانونگذاری، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت مدنی و عضویت‌شان در نهادهای مدنی، بالا رود از میزان قانون‌گریزی در جامعه کاسته خواهد شد و بالعکس در میان ابعاد سرمایه اجتماعی، «اعتماد به مجریان قانون» با ضریب همبستگی به مقدار $r = -0/381$ بیشترین شدت رابطه منفی را با میزان قانون‌گریزی داشته است. نتایج حاصل از روابط همبستگی بین ابعاد سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی،

هر کدام به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در راستای نظریات مطرح شده صاحب نظران سرمایه اجتماعی و سایر نظریات تبیین‌کننده دو مفهوم سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی، است و موید نظرات ایشان است. کاکس (1997) با تأکید بر اهمیت عامل اعتماد در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، این نکته را مطرح می‌کند که اعتماد برای پذیرش قوانین در جامعه لازم است. وی معتقد است که وقتی تمرکز بر تغییر رفتار گروه‌های فرعی در درون یک گروه مشخص است، تغییر در رفتار محتمل نیست مگر درجه‌ای از اعتماد اجتماعی و مدنی و اعتماد تعمیم‌یافته وجود داشته باشد، در غیر این صورت، منابع اختیار و قدرت از هیچ‌گونه احترامی برخوردار نخواهند بود که به آن متکی باشند (کاکس 1997 به نقل از شریفیان ثانی، 15:1381). بنابراین متوجه می‌شویم که کیفیت و کمیت اعتماد در هر جامعه‌ای نقش کلیدی در میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه دارد. از نظر پوتنام اعتماد بین مردم و حکومت از مباحث قابل توجه در ایجاد سرمایه اجتماعی و حل آسیب‌های اجتماعی است.

با در نظر گرفتن رابطه بین میزان رعایت هنجارهای اجتماعی (از قبیل حمایت اجتماعی)، توضیح اینکه، پوتنام معتقد است هنجارهای اجتماعی تأثیر زیادی در تولید سرمایه اجتماعی و افزایش امنیت اجتماعی دارند. از نظر وی در درون گروه اجتماعی، هنجارهایی هستند که مهم‌ترین سودمندی آن‌ها تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. گروه‌ها و جوامعی که بر آن‌ها این هنجارها حاکم است و از آن پیروی می‌کنند، به شکل مؤثری بر فرصت‌طلبی و مشکلات مربوط به عمل جمعی فایده‌می‌آیند (فیلد، 5:2005).

فوکویاما معتقد است که قدرت و کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه به میزان پای‌بندی اعضای آن جامعه به هنجارها و ارزش‌های مشترک و توانایی آن‌ها برای چشم‌پوشی از منافع شخصی در راستای خیر و سعادت همگانی بستگی دارد (پروساک، 76:2001).

فرانسیس فوکویاما هنجارهای موجود در فرهنگ‌های مختلف را مولد سرمایه اجتماعی می‌داند. هنجارهایی که در فرهنگ و تمدن‌ها وجود دارد، موجب پیوند یافتن مردم به یکدیگر می‌شود و همکاری بین دو یا چند فرد را به‌وجود می‌آورد (تاج‌بخش، 169:1385). هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه منجر می‌شود و

اساساً شامل سجایایی چون صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه می‌باشد (فوکویاما، 12:1379). این هنجارها توسط جامعه تولید می‌شود و تمدن‌های بشری با تولید هنجارهای مورد نیاز برای تولید سرمایه اجتماعی، تا حد ممکن حیات جامعه را حفظ می‌کنند. اما اگر این هنجارها بی‌اثر گردند، سرمایه اجتماعی نیز رو به نقصان می‌رود (تاج‌بخش، 189:1385).

همچنین نتایج تحقیق حاضر با بیشتر یافته‌های تحقیقات قبلی (لدرمن و همکاران، 1999؛ سمپسن و همکاران 1987؛ آگینو، 1997؛ کاکس 1997؛ کاواچی و همکاران 1999؛ نوروژی 1388) هم‌خوانی دارد و همچنین به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در راستای نظریه‌های انتخاب عاقلانه دانیل لیتل، نظریه فشار عمومی رابرت آگینو، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه پیوند افتراقی ساترلند، و مؤید نظریات ایشان می‌باشد؛ و در واقع از آن‌ها حمایت می‌نماید.

نتایج معادله رگرسیونی در میان کل پاسخگویان نیز حاکی از آن است که اگر چه ابعاد سرمایه اجتماعی هر کدام به صورت جداگانه تأثیر منفی و معناداری بر روی قانون‌گریزی افراد داشته‌اند، اما در بین آن‌ها شاخص اعتماد بین شخصی بیشترین میزان تبیین قانون-گریزی را به خود اختصاص داده است و در مجموع به ترتیب سه متغیر مستقل، اعتماد بین شخصی، اعتماد به مجریان قانون و مشارکت مدنی در مدل رگرسیونی توانسته‌اند 12/2 درصد از تغییرات قانون‌گریزی را توضیح دهند.

بنابراین با در نظر گرفتن این یافته‌ها، می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه کرد:

پیشنهادهات

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، دولت باید برای تقویت سرمایه اجتماعی بین گروهی در جامعه زمینه مشارکت فعال مردم در انجمن‌های داوطلبانه را فراهم سازد و از این طریق باعث تعاملات گسترده مردم با یکدیگر گردد که آن نیز اعتماد تعمیم‌یافته را به‌وجود آورده و از میزان رفتارهای قانون‌شکنانه در جامعه کاسته خواهد شد، بنابراین دولت می‌تواند با به‌وجود آوردن احزاب و انجمن‌های داوطلبانه گوناگون در جامعه زمینه لازم را در جهت تغییر رفتار و انگیزه‌های قانون‌شکنانه افراد فراهم آورد و به تقویت سرمایه اجتماعی در بین اعضای جامعه منجر گردد.

1. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، مبنی بر این که اعتماد به مجریان قانون از جمله پلیس یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده قانون‌گریزی است، لذا پیشنهاد می‌گردد: پلیس به‌عنوان ضابط قضایی، تأمین‌کننده امنیت و مسئول اجرای قانون در جامعه باید اولاً زمینه‌آشنایی و آگاهی شهروندان به قوانین را فراهم آورد و همچنین نیز در جهت نهادینه شدن امر رعایت و احترام به قانون در بین شهروندان اقدامات لازم را به عمل آورد، و مناسبات تأمین حقوق شهروندی را فراهم کرده به طریقی که زمینه اعتماد متقابل میان پلیس و جامعه را به‌وجود آورد.
2. با توجه به اینکه هنجارپذیری اجتماعی با میزان قانون‌گریزی رابطه منفی دارد؛ به این معنا که هرچه میزان هنجارپذیری در جامعه افزایش یابد، از میزان قانون‌گریزی در جامعه کاسته خواهد شد، لذا پیشنهاد می‌گردد که هنجارهایی مثل صداقت، امانت‌داری، راست‌گویی، انجام تعهدات (مانند تعهد و پای‌بندی به قانون) از طریق شورای فرهنگ عمومی استان‌ها مورد توجه قرار بگیرد و تلاش شود که این هنجارها در جامعه نهادینه گردد. از نظر پوتنام گروه‌ها و جوامعی که بر آن‌ها این هنجارها حاکم است و از آن پیروی می‌کنند، به شکل مؤثری بر فرصت‌طلبی و مشکلات مربوط به عمل جمعی فایق می‌آیند.

منابع

- تاجبخش، کیان (1385)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ دوم، تهران: انتشارات شیرازه.
- چلبی، مسعود، مبارکی، محمد (1384)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره 2، ص. 3-44.
- رابینگتون، ارل (1386)، رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه رحمت اله صدیق سروسستانی، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.
- شریفیان‌ثانی، مریم (1384)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال اول، شماره دوم، صص: 5-18.
- صداقت، کامران (1384)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌گرایی شهروندان تبریزی. پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اجتماعی.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (1383)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). چاپ اول، تهران: نشر.
- علی‌بابایی، یحیی و فیروزجائیان، علی‌اصغر (1388)، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره چهارم.
- فوکویاما، فرانسیس (1379)، پایان نظم. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: چاپ اطلس.
- کلمن، جیمز (1377)، بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لیتل، دانیل (1381)، تبیین در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- ناصری، عبدالله (1388)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و انواع قانون‌گریزی در شهر بوکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- نوروزی، فیض‌اله و فولادی سپهر، سارا (1388)، بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان 15-29 ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره 53-55 صص 129-159.
- واحدی، شهرام و دیگران (1388)، بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی). فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره دوم، صص 37-60.

- Agnew, Robert (1997) "Strain and Sub cultural theories of Criminality" in Joseph F. Shelley (ed). Criminology: A contemporary Hand book, 2 nd ed. Belmont, Californian.

- Bursik, Robert J., JR., 1988. "Social Disorganization and Theories of Crime and Dejlinquency: Problems and Prospeccts." *Criminology*, Volume 26, Number 4: 519-551.
- Cox. E. (1997) , Building Social capital, Health promotion Matter, vol 4,1-4.
- Field. John, (2005). *Social Capital*. London & New York. Rutledge Pub.
- Kawachi, Jchiro. Kennedy, Bruce P. and Wilkinson, Richard G. 1999. "Crime: Social Disorganization and Relative Deprivation." *Social Science & Medicine*, Volume 48, Issue 6, pages: 719-731.
- Lederman, Daniel. Louisa, Norman and Maria, Menendez Ana, (1999). "Violent Crime: Does Social Capital Matter": 1-43, <http://www.rose-net.com>.
- Prusack, L. (2001). "How to Invest in Social Capital", *Harvard Business Review*, 76, 6, 87-93.
- Richard, M., Wills A. (2004). Impacts of illegality & barriers to legality a diagnostic analysis of illegal logging in Honduras and Nicaragua. *International Forestry Review (IFR)*, PP: 282-292.
- Sampson, Robert J., Groves, W. Byron., 1989. "Community Structure and Crime: Testing Social- Disorganization Theory". *American Journal of sociology*: 774-801.